

مراسم فاطمیه در دانشگاه امیرکبیر - اتمام حجت / ج ۱

پناهیان: «اتمام حجت» ظاهراً بحث سردی است، ولی شیوه اتمام حجت خیلی گرم و بامحبت است / ظهور بعد از یک اتمام حجت کامل اتفاق می افتد

حجت الاسلام و المسلمین پناهیان به مناسبت فاطمیه اول، سه شب با موضوع «**اتمام حجت**» در دانشگاه امیر کبیر سخنرانی می کند. در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در **اولین جلسه** را می خوانید:

در آخرالزمان «عملیات اتمام حجت» به اوج می رسد / عملیات اتمام حجت زیرمجموعه هدایت است

- یکی از ویژگی‌های بسیار مهم در آخرالزمان که باعث می شود وضع عالم خیلی تغییر کند - به حدی که انسان احساس می کند گویا صبر خدا کم شده است - و یکی از عواملی که موجب این همه تغییرات در آخرالزمان می شود، این است که «در آخرالزمان عملیات اتمام حجت به اوج می رسد و به صورت کامل انجام می گیرد».
- عملیات اتمام حجت، عملیاتی است که در زیر مجموعه هدایت تعریف می شود. وقتی خداوند متعال بندگان را هدایت می کند و به سوی حق سوق می دهد، در یک مرحله از بندگان دستگیری می کند تا وقتی که حجت بر آنها تمام شود. یعنی جریان هدایت انسان به مرحله‌ای می رسد که حق برای انسان روشن شود و از این به بعد، اگر مسیر حق را انتخاب نکند، مسئولیت پای خودش است و از آن به بعد، رفتار خداوند هم با این فرد تغییر می کند.
- در یک طیف گسترده - نه فقط برای یک فرد - یعنی در اندازه‌های جهانی و تاریخی نیز اتمام حجت انجام می گیرد و آخرالزمان پیش می آید و شرایط عالم به گونه‌ای رقم می خورد که خدا دیگر مهلت نمی دهد و می خواهد ظلم را نابود کند. به حدی که انگار خداوند به میانه میدان می آید و مؤمنین و مظلومان را نصرت می دهد.

آشکار شدن حق با اتمام حجت فرق می کند / هر فردی تا آخر عمر، بالاخره یک زمانی حجت برایش تمام می شود

- گاهی می گوییم: «حجت آشکار شده است» ولی این با «اتمام حجت» فرق می کند. چون وقتی که حق آشکار می شود، لزوماً به این معنا نیست که حجت بر همه تمام شده است، یعنی ممکن است - علی‌رغم آشکار شدن حق - باز هم مردم فریب بخورند یا سوء تفاهم‌هایی پیش بیاید.
- عملیات اتمام حجت برای یک فرد - به تنهایی - نیز اهمیت دارد. چون خداوند برای هر فردی تا پایان عمرش، بالاخره یک زمانی حجت را بر او تمام می کند. یعنی خداوند حق را برای او روشن می کند و ابهامات و سوء تفاهم‌ها را برایش از بین می برد. در این صورت اگر این فرد بعد از اتمام حجت، حق را نپذیرد مستحق دوزخ خواهد بود و اگر بپذیرد، خدا دست او را می گیرد و نجاتش می دهد. البته این عملیات اتمام حجت در زندگی فردی، بسیار پیچیده و پنهان است و ما نمی دانیم خداوند با تک تک بندگان چگونه اتمام حجت می کند؟

بخشی از عملیات اولیاء خدا در لحظات حساس تاریخ، برای اتمام حجت بوده

- بخشی از عملیات فاطمیه و اساساً بخشی از عملیات اولیاء خدا در لحظات حساس تاریخ، برای اتمام حجت بوده است. بخشی از سنت‌های الهی برای اتمام حجت تنظیم شده است. بخشی از امتحانات الهی نیز برای اتمام حجت ترتیب یافته‌اند. البته امتحانات الهی اهداف مختلفی دارند، گاهی اوقات امتحان برای رشد بندگان و مؤمنان است. گاهی نیز برای پاک کردن بندگان از آلودگی‌هاست.

از سه بُعد می‌توان به مسأله اتمام حجت نگاه کرد

- از سه بُعد می‌توان به مسأله اتمام حجت نگاه کرد: ۱- بُعد اجتماعی و آخرالزمانی؛ یعنی در آخرالزمان اوضاع عالم به گونه‌ای رقم می‌خورد که اتمام حجت صورت گیرد. ۲- بُعد فردی؛ یعنی هر کسی یک زمانی از عمرش، حجت بر او تمام می‌شود که دیگر نباید در انتخاب راه حق تردید یا ابهامی داشته باشد. ۳- علاوه بر ابعاد فوق، اگر از بُعد هستی‌شناسی به مسأله اتمام حجت نگاه کنیم، یعنی اگر به محور سنت‌های الهی حاکم بر هستی که همان «امتحانات الهی» است نگاه کنیم، می‌بینیم که بخشی از حساس‌ترین امتحانات الهی برای اتمام حجت هستند.
- اتمام حجت گاهی اوقات برای کلیت هدایت است. یعنی به شما اتمام حجت می‌کنند که راه اصلی همین راه خدا و پیغمبری است که می‌شناسید و نه راه دیگر. گاهی اوقات نیز اتمام حجت برای مقدمات این راه است. مثلاً یک نفر ژاپنی، آفریقایی یا آمریکایی دارد زندگی می‌کند، و از دور یک چیزهایی درباره اسلام به گوش او خورده است ولی نمی‌داند این دینی است که باید روز قیامت درباره آن پاسخ بدهد، یعنی از جزئیاتش خبر ندارد. یا اینکه اصلاً درباره اسلام چیزی نشنیده است. خداوند درباره او هم به نوعی اتمام حجت می‌کند، مثلاً شاید با دین خودش برای او اتمام حجت کند و شاید بر اساس وجدانیاتش برای او اتمام حجت کند. ولی به هر حال خدا روز قیامت از او هم سؤال خواهد کرد، منتها از او بر اساس درس‌هایی که به او داده است، سؤال می‌کند.

اتمام حجت برای همه است؛ حتی کسی که پیام اسلام به او نرسیده

- اگر درس اسلام به کسی نرسیده باشد، و مثلاً درس کلیسه و کنیسه یا بودا به او رسیده باشد، روز قیامت بر همان اساس از او سؤال می‌شود. او هم در فضای خودش اتمام حجت دارد. حتی اگر هیچ درسی از دین به او نرسیده باشد، بالاخره او وجدان که داشته است، مثلاً می‌فهمیده که انجام فلان کار، نامردی (خلاف مروّت) است، لذا خداوند از او بر اساس وجدانیاتش سؤال می‌کند.
- اتمام حجت صرفاً برای اسلام ناب به معنای واقعی کلمه نیست، بلکه گاهی اوقات برای مقدمات رسیدن به هدایت است. گاهی نیز اتمام حجت برای کسانی است که اسلام ناب را پذیرفته‌اند، ولی خدا برای آنها در یک مسائل دیگری اتمام حجت می‌کند.

انسان مرحله به مرحله اتمام حجت می‌شود / موضوع اتمام حجت، صرفاً اسلام آوردن نیست

- اتمام حجت مرحله‌ای دارد. فقط این نیست که اتمام حجت شود که «شما مسلمان بشوید» و شما هم یا مسلمان بشوید و یا نشوید. مثلاً الان برای ما اتمام حجت شده است که پیامبر اکرم (ص) و امیرالمؤمنین (ع) بر حق هستند. و اینکه نماز واجب است و... و ما نیز همه اینها را پذیرفته‌ایم و به آنها عمل می‌کنیم. ولی از این به بعد، اتمام حجت ما درباره این مباحث مقدماتی هدایت نیست بلکه در مباحث دیگری است. مثلاً خداوند به ما اتمام حجت می‌کند که شما می‌توانستید به مدارج خیلی بالاتر برسید ولی خودتان کوتاهی

کردید و به آن مراتب بالا نرسیدید. یعنی خدا برای تو اتمام حجت می‌کند که «تو می‌توانستی خیلی بیش از اینها به دین و جامعه خودت خدمت کنی ولی کم گذاشتی»

- موضوع اتمام حجت، صرفاً اسلام آوردن نیست؛ انسان مرحله به مرحله اتمام حجت می‌شود. گاهی خداوند در مقدمات بعیده اتمام حجت می‌کند و گاهی در اصل پذیرش دین، اتمام حجت می‌کند و گاهی نیز در نتایج و سرشاخه‌هایش اتمام حجت می‌کند. به هر حال همه درگیر مسأله اتمام حجت هستند.

شیوه‌های اتمام حجت خدا متفاوت است / خدا برخی را با محبت یا معجزه و برخی را با عقل یا تجربه اتمام حجت می‌کند

- خداوند می‌خواهد بر همه بندگان اتمام حجت کند، حالا اینکه چه کسی چگونه برایش اتمام حجت می‌شود، یک بحث دیگری است. اتمام حجت انواع و اقسام داد. مثلاً خدا درباره یک کسی، با محبت اتمام حجت می‌کند، درباره یک کسی با معجزه یا کرامت اتمام حجت می‌کند. یا یک کسی را با عقلش اتمام حجت می‌کند، یک کسی را با اتفاقاتی که در اطرافش می‌افتد و برایش تجربه می‌شود. شیوه‌های اتمام حجت خدا اصلاً یکسان نیست. فقط خود انسان می‌داند و خدا. البته اگر کسی بخواهد اتمام حجت خودش را انکار کند، می‌تواند انکار کند.

- خداوند با هر کسی، یک‌طوری اتمام حجت می‌کند. گاهی خداوند به بعضی‌ها حکمت می‌دهد و با همین حکمت با آنها اتمام حجت می‌کند. در روایت دارد، حکمتی که خداوند به اهل کفر یا نفاق می‌دهد برای این است که خدا در روز قیامت از طریق همین حکمت با آنها احتجاج کند (امیرالمؤمنین(ع): **إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا جَاءَ بَطْنُهُ وَ حَفِظَ لِسَانَهُ عَلَّمْتُهُ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانَ كَافِرًا تَكُونُ حِكْمَتُهُ حُجَّةً عَلَيْهِ وَ وَبَالًا؛ ارشاد القلوب/ ۱/ ۲۰۵**) مثلاً خدا به او می‌گوید: «تو به خاطر حکمتی که داشتی، این را می‌فهمیدی...»

- گاهی خداوند دعای یک کسی را مستجاب می‌کند و از همین طریق، با او اتمام حجت می‌کند. گویا خداوند به او می‌گوید: «تو با من یک قراری گذاشتی و من دعای تو را مستجاب کردم، حالا تو فهمیدی که کارها دست من است، پس دیگر بی‌توجهی نکن...»

بهترین شیوه برای اتمام حجت، قرآن است

- اتمام حجت شیوه‌های مختلفی دارد. ولی بهترین شیوه برای اتمام حجت، قرآن است. یعنی اینکه با دریافت نورانیت کلمات قرآن، حق برای انسان آشکار شود. خوشا به حال کسانی که با قرآن برایشان اتمام حجت می‌شود، اینها واقعاً آدم‌های فهمیده‌ای هستند. اینها وقتی قرآن را می‌خوانند، می‌فهمند که این یک کلام معمولی نیست؛ این کلام خداوند است.

- بعضی‌ها در صدر اسلام بودند که تنها با شنیدن چند آیه قرآن، به حقانیت دین پیامبر اکرم(ص) پی می‌بردند. مثلاً یک کسی نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و عرض کرد: از این آیات قرآن که بر شما وحی شده است برای من بخوانید تا بینم این دین شما چه می‌گوید؟ حضرت به یکی از اصحاب فرمود که چند آیه برای او بخواند. او هم آیات سوره زلزال را برایش خواند. آن مرد با شنیدن دو آیه آخر این سوره یعنی آیات: **«فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»** (الزلزال/ ۷ و ۸) گفت: همین برای من بس است. (عَنْ زَيْدِ بْنِ أَسْلَمٍ أَنَّ رَجُلًا جَاءَ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: عَلَّمَنِي مَا عَلَّمَكَ اللَّهُ فَدَفَعَهُ إِلَى رَجُلٍ يُعَلِّمُهُ الْقُرْآنَ فَعَلَّمَهُ إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ حَتَّى بَلَغَ فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ... قَالَ الرَّجُلُ: حَسْبِيَ فَأُخْبِرَ بِذَلِكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: دَعُهُ فَقَدْ فَهِمَ الرَّجُلُ؛ تَفْسِيرُ رُوحِ الْبَيَانِ/ ۱۰/ ۴۹۵) یعنی بنا بر شخصیت فکری و روحی او، با همین دو آیه برایش اتمام حجت شد.

- بعضی‌ها وقتی دانشمند می‌شوند، همین برای آنها اتمام حجت است. شاید شما دانشجویانی که به دانشگاه آمده‌اید و تحصیل می‌کنید، همین یک راه برای اتمام حجت شما باشد. لاقلاً می‌توان گفت که دانشگاه آمدن شما، ممکن است یک ربطی به اتمام حجت شما داشته باشد. خیلی چیزها در زندگی انسان رخ می‌دهد که معنایش اتمام حجت است. اگر دقت کنید، کم‌کم این موارد را در زندگی خودتان پیدا می‌کنید. خداوند با این اتفاقاتی که برای شما می‌افتد، در واقع دارد با شما سخن می‌گوید. پس دقت کنید که معنای این سخنان را بفهمید.

اتمام حجت ظاهراً نوعی «بی تفاوتی» خدا به بنده را نشان می‌دهد

- عملیات اتمام حجت در زندگی ما بسیار تعیین‌کننده است. خداوند گاهی اوقات در مراحل مختلف زندگی ما تا قبل از اینکه اتمام حجت شود، به ما مهلت می‌دهد ولی اگر اتمام حجت شد، دیگر مهلت نمی‌دهد. خداوند می‌فرماید: «ما راه را به او نشان می‌دهیم، خواه شاکر باشد (و بپذیرد) یا ناسپاس باشد؛ اِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اِمَّا شَاكِرًا وَّ اِمَّا كَفُورًا» (انسان/۳)
- اتمام حجت به تعبیری - یک بحث سرد است؛ از این جهت که گویا اتمام حجت به ظاهر - یک نوع «بی تفاوتی» خدا به بنده را نشان می‌دهد. ولی در همین سردی هم خیلی حُسن وجود دارد. مثلاً اینکه یک ترس یا نگرانی در ما ایجاد می‌کند و این نگرانی موجب بیداری یا حساس شدن ما به موضوع می‌شود.

اصل بحث اتمام حجت ظاهراً بحث سردی است ولی شیوه اتمام حجت خیلی گرم و بامحبت است

- اصل بحث اتمام حجت، به ظاهر یک بحث سرد است ولی شیوه اتمام حجت خیلی گرم است. یعنی مراحلی که در هدایت طی می‌شود تا به مرحله اتمام حجت برسد، خیلی گرم و بامحبت است. کما اینکه خداوند پیامبری دلسوز و مهربان برای هدایت ما فرستاده و می‌فرماید: «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ اَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ» (توبه/۱۲۸) یعنی پیامبری فرستاده‌ام که حریص به هدایت شماست، اگر چیزی شما را اذیت کند، او را رنجور خواهد کرد و نسبت به مؤمنین، رؤوف و رحیم است. آن قدر به شما علاقه دارد که حد ندارد.
- یک نمونه دیگری که نشان می‌دهد شیوه انجام عملیات اتمام حجت، چقدر گرم است، گودی قتلگاه است؛ همان جایی که خداوند، امام حسین(ع) را فدا کرده است تا همه چیز روشن شود.

یکی از وجوه فاطمیه، اتمام حجت است / حماسه فاطمیه، بیش از اینکه برای احقاق حق باشد، برای اتمام حجت بود

- یکی از وجوه فاطمیه، اتمام حجت است. می‌توان گفت فلسفه وجودی حضرت زهرا(س) در حماسه فاطمیه، بیش از اینکه احقاق حق باشد، اتمام حجت است. چون حضرت زهرا(س) می‌دانستند که آنها دیگر به این سمت نمی‌آیند، ولی رفتند و خودشان را فدا کردند تا اتمام حجت شود.
- حضرت زهرا(س) در ماجرای کوچۀ بنی‌هاشم، چنان ناله‌ای زد که گفته می‌شود اکثر مردم مدینه متوجه شدند که یک خانمی دارد ضجه می‌زد؛ آن هم نه یک خانم معمولی یا عوام که جیغ زدن برایش ساده باشد، ایشان دختر پیامبر اکرم(ص) بود، با آن همه وقار و حیا و محبوبیت و عظمتی که داشتند.

- وقتی ایشان برای پس گرفتن فدک اقدام کردند، باز هم برای اتمام حجت بود. یعنی: «می‌خواهم نشان دهم که اینها برخلاف گفته پیامبر(ص) مرا صادق(صدیقه) نمی‌دانند» در حالی که همه از پیامبر اکرم(ص) شنیده بودند که فاطمه(ص) صدیقه است و دروغ نمی‌گوید. ولی آنها گفتند: «برای اثبات ادعای خودت- درباره فدک- باید شاهد بیاوری!»

گاهی اوقات اتمام حجت، هزینه‌های سهمگین دارد

- حضرت زهرا(س) بسیاری از زجرها و مظلومیت‌ها را به خاطر اتمام حجت، به جان خرید. امیرالمؤمنین(ع) نیز ساکت نشست تا اتمام حجت شود و مردم بفهمند راهی که رفتند، اشتباه بوده است.
- گاهی اوقات اتمام حجت، هزینه‌های سهمگین دارد. یعنی گاهی اوقات اگر مردم حجت را زود نپذیرند، هزینه اتمام حجت بسیار سنگین خواهد بود، به حدی که سرهای مظلومانی بریده خواهد شد. خداوند تا آخرش برای اتمام حجت کسانی که حق را دیر می‌پذیرند، ایستاده است ولی چرا ما باید هزینه اتمام حجت این آدم‌های دیرفهم را بپردازیم؟!
- حضرت زهرا(س) می‌فرمود: این شتر خلافت را که از مسیرش خارج کردید، از او شیر نخواهید دوشید بلکه خون خواهید دوشید. (أَمَّا لَعْمَرِي لَقَدْ لَقِحتَ فَنظِرَةٌ رَيْثَمَا تُنَجُّ ثُمَّ اخْتَلَبُوا مِلءَ الْقَعْبِ دَمًا عَبِيطًا وَ دُعَاةً مُبِيدًا؛ احتجاج/۱۰۹/۱) به عبارت دیگر، این شتر به شما سواری نمی‌دهد بلکه شما را منکوب می‌کند. ولی آنها به تعبیری گفتند: شما دارید سخت می‌گیرید! لذا باید حجت برای آنها تمام می‌شد. همان مردم مدینه که گفتند دارید سخت می‌گیرید، (بعد از حدود ۵۰ سال) خودشان یا فرزندانشان، گرفتار جنایت‌های وحشیانه یزید شدند و سربازان یزید، مردم مدینه را بی‌رحمانه قتل عام کردند.

ظهور بعد از یک اتمام حجت کامل و حسابی اتفاق خواهد افتاد

- در جریان اتمام حجت، کار جامعه به جایی می‌رسد که مردم کمترین بی‌تقوایی‌ها در مدیران جامعه را نخواهند پذیرفت، چون می‌فهمند که این بی‌تقوایی چه بدبختی و فلاکتی برای جامعه خواهد آورد. و حتی کار به جایی می‌رسد که التماس می‌کنیم: «یا بن‌الحسن! شما تشریف بیاورید، این فقط کار خودتان است، ما باتقوای درجه یک را نمی‌شناسیم...» ظهور هم بعد از اتمام حجت کامل و حسابی برای بشریت اتفاق خواهد افتاد. بعد از ظهور، همه جا آرام خواهد بود و امور جامعه با اشاره آقا امام زمان(ع) درست خواهد شد، چون موضوع دیگر برای همه، دقیقاً جا افتاده است.

مراقب باشید در جریان اتمام حجت، هزینه را برای خودمان و جامعه بالا نبریم

- برای اتمام حجت، باید موضوع کاملاً برای ما جاییفتد منتها مراقب باشید هزینه را برای خودمان و جامعه بالا نبریم، یعنی سعی کنیم زود موضوع برای ما جاییفتد. بعضی‌ها خیلی زود برای‌شان اتمام حجت می‌شود، یعنی موضوع را خیلی زود درک می‌کنند و باور می‌کنند ولی بعضی‌ها خیلی دیر برای‌شان اتمام حجت می‌شود؛ مثل مردم مدینه.
- مردم مدینه هزینه را برای خودشان و مخصوصاً برای اولیاء خدا خیلی بالا بردند. آنها دلیل گریه‌های حضرت زهرا(س) را نمی‌فهمیدند و باور نمی‌کردند. حضرت می‌فرمود: «مگر نمی‌بینید که علی(ع) را رها کرده‌اند؟!» آنها می‌گفتند: حالا که طوری نشده است! ... فاطمه زهرا(س) بین در و دیوار قرار گرفت تا موضوع را برای مردم روشن کند...

